

## الجهاد الأصغر

### جهاد اصغر

الجهاد في الأديان الإلهية:

جهاد در اديان الهی:

الجهاد أو القتال لإعلاء كلمة الله ونشر التوحيد والدين الذي يرضاه الله سبحانه وتعالى قضية قررها الله سبحانه، وحث عليها المؤمنين وأوجبها عليهم وواعد من جاهد في سبيله الجنة وتوعد من أعرض عن الجهاد بالنار.

جهاد یا پیکار برای برافراشتن کلمه‌ی الله و انتشار توحید و دینی که مورد رضایت خداوند سبحان و متعال است، موضوعی است که خداوند سبحان بر آن صحه می‌گذارد و مؤمنان را بر آن تشویق می‌فرماید، آن را بر آنها واجب ساخته و وعده داده است که هر کس در راه خدا جهاد کند بهشت از آن او است، و هر کس که از جهاد روی گرداند را با آتش تهدید می‌فرماید.

والأنبياء والمرسلون هم حملة كلمة الله سبحانه وهم حملة راية الجهاد والقتال في سبيل الله سبحانه، وهذا تاريخ الأنبياء والمرسلين بين يديك تصفحه في التوراة والإنجيل والقرآن لتجد موسى ع يحمل سيفه ويتأهب لدخول الأرض المقدسة، ويوشع بن نون ع يحمل سيفه ويدخل الأرض المقدسة، وداوود ع يقضي أيامه في القتال لإعلاء كلمة الله ونشر التوحيد:

انبيا و فرستادگان، حاملان کلمه‌ی الله سبحانه هستند و آنها کسانی هستند که پرچم جهاد و پیکار در راه خدای سبحان را بر دوش می‌کشند. تاریخ انبیا و فرستادگان پیش روی شما است، تورات، انجیل و قرآن را ورق بزن تا دریابی که موسی ع شمشیر بر می‌دارد و مهبیای ورود به سرزمین مقدس می‌شود، یوشع بن نون ع شمشیر بر می‌گیرد و به سرزمین مقدس وارد می‌شود، و داوود ع روزگارش را در پیکار برای اعتلای کلمه‌ی

الله و گسترش توحید به پایان می‌رساند:

﴿فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ (1). وقال تعالى: ﴿اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾ (2).

((پس به خواست خدا ایشان را شکست دادند و داوود، جالوت را بگشت و خداوند به او پادشاهی و حکمت ارزانی داد، و از آنچه می‌خواست به او بیاموخت، و اگر خدا بعضی از مردم را به وسیله‌ی بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، قطعاً زمین تباه می‌شد، ولی خداوند صاحب فضل و کرم بر جهانیان است)) (3) و همچنین حق تعالی می‌فرماید: ((بر هر چه می‌گویند صبر پیشه کن و از بنده‌ی ما داوودِ توانمند یاد آور، که او همواره توبه‌کننده بود)) (4).

وسليمان ع يخلفه ليبيني هيكل العبادة بيد ويقا تل في سبيل إعلاء كلمة الله باليد الأخرى، قال تعالى: ﴿وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ﴾ (5).

و سليمان ع جانشین او می‌شود تا با دستی هیكل عبادت را بنا و با دست دیگر برای اعتلای کلمه‌ی الله در راه خداوند پیکار کند. حق تعالی می‌فرماید: ((و سلیمان از داوود به ارث برد و گفت: ای مردم، به ما زبان مرغان آموخته و از هر چیزی به ما داده شده، که این، همان برتری و نعمت آشکار است)) (6).

1- البقرة: 251.

2- ص: 17.

3- بقره: ۲۵۱.

4- ص: ۱۷.

5- النمل: 16.

6- نمل: ۱۶.

﴿فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٍ فَمَا آتَانِيَ اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدْيَتِكُمْ تَفْرَحُونَ﴾ \*ارْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ﴾ (7).

((چون (فرستاده) نزد سلیمان آمد، سلیمان گفت: آیا می‌خواهید مرا با مال یاری دهید؟ آنچه خدا به من داده از آنچه به شما داده بهتر است؛ بلکه این شما هستید که به هدیه‌ی خویش شادمان می‌شوید \* به سویشان بازگرد. قطعاً سپاهی بر ایشان آوریم که تاب ایستادگی در برابر آن را نداشته باشند و به خواری و خفت از آنجا بیرونشان کنیم)) (8).

والتوراة حافلة بمعارك داوود وسليمان ع.

و تورات آکنده از نبردهای داوود و سلیمان ع می‌باشد.

ثم إن عيسى ع يقول لأتباعه: **(من أراد أن يتبعني فليحمل خشبته على ظهره)**، أي إنه يدعو للثورة على الظلم والفساد ويأمر أتباعه بالجهاد والقتال في سبيل الله، فالخشبة في ذلك الزمان نظير الكفن عندنا اليوم، أي كأنه يقول لأتباعه من أراد أن يتبعني فليحمل كفنه معه.

به علاوه، اینکه عیسی ع به پیروانش می‌فرماید: «هر کسی می‌خواهد از من پیروی کند، باید صلیبش را بر پشتش حمل کند»، یعنی ایشان به قیام علیه ظلم و فساد دعوت می‌کند و پیروانش را به جهاد و پیکار در راه خدا دستور می‌دهد. صلیب در آن روزگار همانند کفن امروزی برای ما است؛ یعنی گویا ایشان به پیروانش می‌فرماید که هر کس می‌خواهد مرا پیروی کند باید کفنش را با خود داشته باشد.

أمّا الرسول محمد ﷺ فقد قضى جل أيامه في المدينة المنورة بعد الهجرة في الجهاد والقتال في سبيل الله ، وقضى أيامه في مكة يجاهد

ويقاتل بالكلمة والحجة هو ومن آمن معه حتى عُذّبوا وأُذوا وقتل منهم من قتل فذهب إلى ربه شاهداً وشهيداً.

اما فرستاده‌ی خدا حضرت محمد ﷺ بیشتر روزهای خود را پس از هجرت در مدینه به جهاد و پیکار در راه خدا سپری کرد و روزهای خود را در مکه با جهاد و پیکار با کلمه و حجت و دلیل آوردن، گذرانید و کسانی که به ایشان ایمان آورده بودند نیز به همین ترتیب بودند، تا آنجا که مورد آزار و اذیت قرار گرفتند و آن کس از آنها که به قتل رسید، شاهد و شهید به سوی پروردگارش شتافت.

ولا شك أنّ سيرة الأنبياء والمرسلين ﷺ حجة ما بعدها حجة، وأمر الله سبحانه وتعالى بالجهاد والقتال في سبيله لإعلاء كلمته سبحانه وتعالى والذي جاء به الأنبياء والمرسلون حجة ما بعدها حجة، فلم يبق للمتخلف عن أمر الله سبحانه وتعالى عذر ولا عاذر، ولم يبق لمن ينكر أمر الله سبحانه وتعالى إلا أن يقال عنه أنه كافر، فبأي حديث بعد الله وآياته وسيرة أنبيائه ورسله تؤمنون.

شکی نیست که سیره و روش انبیا و فرستادگان ﷺ حجتی است که بالاتر از آن حجتی وجود ندارد و خداوند سبحان و متعال به جهاد و پیکار در راه خود برای برافراشتن کلمه‌ی خودش سبحان و متعال فرمان داده، و آنچه انبیا و فرستادگان ﷺ آوردند حجتی است که دیگر پس از آن، حجتی باقی نمی‌ماند. بنابراین برای آن کس که از فرمان خداوند سبحان و متعال شانه خالی می‌کند هیچ عذر و بهانه و هیچ عذرخواهی باقی نمی‌ماند، و در مورد کسی که فرمان خداوند سبحان و متعال را انکار کند چیزی باقی نمی‌ماند جز اینکه کافر خطاب شود؛ پس به کدامین حدیث پس از خدا، آیات او، و راه و روش انبیا و فرستادگان، ایمان می‌آورید؟!

والنصوص على الجهاد والقتال في سبيل الله في التوراة الموجودة حالياً التي يعترف بها اليهود والنصارى كثيرة جداً لا يسعها هذا البيان المختصر، ولكن لا بأس بإيراد نص منها لترتب فائدة على إيراده، ولعل الأفضل أن نعرج على أول من توسع في الجهاد والقتال في سبيل الله وإعلاء كلمة الله سبحانه وتعالى بعد نبي الله موسى بن عمران ع الذي جاء بالتوراة وهو يوشع بن نون ع وصي موسى ع.

متون دالّ بر جهاد و پیکار در راه خدا در تورات فعلی، وجود دارند؛ متونی که یهودیان و مسیحیان به آن معترف می‌باشند به قدری زیاد است که در این مختصر نمی‌گنجد؛ اما مانعی ندارد اگر متنی از این جمله را برای بهره‌مند شدن از آن بیان کنیم؛ و چه بسا بهتر

باشد به اولین کسی که پس از پیامبر خدا موسی بن عمران ع که تورات را آورد، برای اعتلای کلمه‌ی الله سبحان و تعالی در راه خدا جهاد و پیکار کرد، سری بزنییم؛ یعنی یوشع بن نون ع وصی موسی ع.

جاء في التوراة (العهد القديم / سفر يشوع: ص ۳۵۴ - ۳۵۷):  
الإصحاح العاشر:

(34) ثم اجتاز يشوع وكل إسرائيل معه من لخيخ إلى عجلون فنزلوا عليها وحاربوها (35) وأخذوها في ذلك اليوم وضربوها بحد السيف وحرم كل نفس بها في ذلك اليوم حسب كل ما فعل بلخيخ (36) ثم صعد يشوع وجميع إسرائيل معه من عجلون إلى حبرون وحاربوها (37) وأخذوها وضربوها بحد السيف مع ملكها وكل مدنها وكل نفس بها. لم يبق شارداً حسب كل ما فعل بعجلون فحرمها وكل نفس بها (38) ثم رجع يشوع وكل إسرائيل معه إلى دبير وحاربها (39) وأخذها مع ملكها وكل مدنها وضربوها بحد السيف وحرّموا كل نفس بها. لم يبق شارداً، كما فعل بحبرون كذلك فعل بدبير وملكها وكما فعل بلبنة وملكها (40) فضرب يشوع كل أرض الجبل والجنوب والسهل والسفوح وكل ملوكها. لم يبق شارداً بل حرم كل نسمة كما أمر الرب إله إسرائيل (41) فضربهم يشوع من قادش برنيع إلى غزة وجميع أرض جوشن إلى جبعون (42) وأخذ يشوع جميع أولئك الملوك وأرضهم دفعة واحدة لأن الرب إله إسرائيل حارب عن إسرائيل (43) ثم رجع يشوع وجميع إسرائيل معه إلى المحلة إلى الجلجال).

در تورات (عهد قدیم - سفر يشوع: ص ۳۵۴ تا ۳۵۷) آمده است:

اصحاح دهم: «... ۳۴ سپس یوشع به همراه تمامی اسرائیل از لاختیخ به عجلون گذشتند و به مقابلش اردو زده، با آن جنگ کردند. ۳۵ و در همان روز آن را گرفته، به دم شمشیر زدند و همه‌ی کسانی را که در آن بودند در آن روز هلاک کرد، چنانکه با لاختیخ کرده بود. ۳۶ و یوشع با تمامی اسرائیل از عجلون به حبرون برآمده، با آن جنگ کردند. ۳۷ و آن را گرفته، آن را با ملکش و همه‌ی شهرهایش و همه‌ی کسانی که در آن بودند به دم شمشیر زدند، و موافق هر آنچه که با عجلون کرده بود کسی را باقی

نگذاشت، بلکه آن را با همه‌ی کسانی که در آن بودند، هلاک ساخت. ۳۸ و یوشع با تمامی اسرائیل به دبیر بازگشت و با آن جنگ کرد. ۳۹ و آن را با ملکش و همه‌ی شهرهایش گرفت و ایشان را به دم شمشیر زدند، و همه‌ی کسانی را که در آن بودند، هلاک ساختند و او کسی را باقی نگذاشت؛ و به همان صورتی که با حبرون رفتار نموده بود با دبیر و ملکش نیز رفتار کرد، چنانکه با لَبْنَه و ملکش نیز رفتار نموده بود. ۴۰ پس یوشع تمامی آن زمین یعنی کوهستانی، جنوب، هامون، وادی‌ها و جمیع ملوک آنها را زده، کسی را باقی نگذاشت و حتی همه‌ی کسان را هلاک کرد، چنانکه یهوه، پروردگار اسرائیل، امر فرموده بود. ۴۱ و یوشع ایشان را از قادش برنیع تا غزه و تمامی زمین جوشن تا جَبَعون را زد. ۴۲ و یوشع جمیع این ملوک و زمین ایشان را به یک باره گرفت، چرا که یهوه، پروردگار اسرائیل، برای اسرائیل جنگ می‌کرد. ۴۳ و یوشع با تمامی اسرائیل به اردو در جَلْجال باز گشتند».

الأصحاح الحادي عشر: (1) فلما سمع يابين ملك حاصور أرسل إلى يوباب ملك مادون وإلى ملك شمرون وإلى ملك أكشاف (2) وإلى الملوك الذين إلى الشمال في الجبل وفي العربة جنوبي كنروت وفي السهل وفي مرتفعات دور غرباً (3) الكنعانيين في الشرق والغرب والأموريين والحثيين والفرزيين واليبوسيين في الجبل والحويين تحت حرمون في أرض المصفاة (4) فخرجوا هم وكل جيوشهم معهم شعبا غفيرا كالرمل الذي على شاطئ البحر في الكثرة بخيل ومركبات كثيرة جداً (5) فاجتمع جميع هؤلاء الملوك بميعاد وجاءوا ونزلوا معا على مياه ميروم لكي يحاربوا إسرائيل (6) فقال الرب ليشوع لا تخفهم لأنني غدا في مثل هذا الوقت أدفعهم جميعا قتلى أمام إسرائيل فتعرب خيلهم وتحرق مركباتهم بالنار (7) فجاء يشوع وجميع رجال الحرب معه عليهم عند مياه ميروم بغتة وسقطوا عليهم (8) فدفعهم الرب بيد إسرائيل فضربوهم وطردوهم إلى صيدون العظيمة وإلى مسرفوت مايم وإلى بقعة مصفاة شرقا . فضربوهم حتى لم يبق لهم شارد (9) ففعل يشوع بهم كما قال له الرب . عرقب خيلهم وأحرق مركباتهم بالنار (10) ثم رجع يشوع في ذلك الوقت وأخذ حاصور وضرب ملكها بالسيف . لأن حاصور كانت قبلا رأس جميع تلك الممالك (11) وضربوا كل نفس بها

بحد السيف، حرموهم ولم تبق نسمة ، وأحرق حاصور بالنار (12) فأخذ يشوع كل مدن أولئك الملوك وجميع ملوكها وضربهم بحد السيف . حرمهم كما أمر موسى عبد الرب (13) غير أن المدن القائمة على تلالها لم يحرقها إسرائيل ما عدا حاصور وحدها أحرقها يشوع (14) وكل غنيمة تلك المدن والبهايم نهبها بنو إسرائيل لأنفسهم . وأمّا الرجال فضربوهم جميعاً بحد السيف حتى أبادوهم. لم يبقوا نسمة (15) كما أمر الرب موسى عبده هكذا أمر موسى يشوع وهكذا فعل يشوع. لم يهمل شيئاً من كل ما أمر به الرب موسى (16) فأخذ يشوع كل تلك الأرض الجبل وكل الجنوب وكل أرض جوشن والسهل والعربة وجبل إسرائيل وسهله (17) من الجبل الأقرع الصاعد إلى سعيير إلى بعل جاد في بقعة لبنان تحت جبل حرمون ، وأخذ جميع ملوكها وضربهم وقتلهم (18) فعمل يشوع حرباً مع أولئك الملوك أياماً كثيرة (19) لم تكن مدينة صالحت بني إسرائيل إلا الحويين سكان جبعون بل أخذوا الجميع بالحرب (20) لأنه كان من قبل الرب أن يشدد قلوبهم حتى يلاقوا إسرائيل للمحاربة فيحرموا فلا تكون عليهم رافة بل يبادون كما أمر الرب موسى (21) وجاء يشوع في ذلك الوقت وقرض العناقين من الجبل من حبرون ومن دبير ومن عناب ومن جميع جبل يهوذا ومن كل جبل إسرائيل. حرمهم يشوع مع مدنهم (22) فلم يتبق عناقيون في أرض بني إسرائيل لكن بقوا في غزة وجت وأشدود (23) فأخذ يشوع كل الأرض حسب كل ما كلم به الرب موسى وأعطاهما يشوع ملكاً لإسرائيل حسب فرقهم وأسباطهم ، واستراحت الأرض من الحرب).

اصحاح يازدهم: « ١ و واقع شد كه چون يابين ملك حاصور اين را شنيد، نزد يوباب ملك مادون و نزد ملك شمرون و نزد ملك أخشاف فرستاد، ٢ و نزد ملوكى كه به طرف شمال در كوهستان، و در عربه، جنوب كِنُروت، و در هامون و در بلندی‌هایى كه به طرف مغرب بودند، ٣ و نزد كنعانيان به طرف مشرق و مغرب و آموريان و حَتِيان و فَرِزيان و ييوسيان در كوهستان، و حوويان زير حَرْمون در زمين مِصْفَه. ٤ و أنها با تمامى لشكرهاى خود كه قوم بسيارى بودند و عدد ايشان مثل ريگ كناره‌ى دريا بود با اسبان و ارايه‌هاى بسيار بيرون آمدند. ٥ و تمامى اين ملوك جمع شده، آمدند و نزد آب‌هاى ميروم در يك جا اردو زدند تا با اسرائيل جنگ كنند. ٦ و پروردگار به يوشع گفت: از



ایشان مترس؛ زیرا که فردا چنین وقتی جمیع ایشان را کشته شده، به حضور اسرائیل تسلیم خواهم کرد، و اسبان ایشان را پی خواهی کرد، و ارابه‌های ایشان را به آتش خواهی سوزانید. ۷ پس یوشع با تمامی مردان جنگی به مقابله ایشان نزد آب‌های میروم ناگهان آمده، بر ایشان حمله کردند. ۸ و پروردگار ایشان را به دست اسرائیل تسلیم نمود، که ایشان را زدند و تا صیدون بزرگ و مسرفوت مایم و تا وادی مصفه به طرف شرقی تعقیب کرده، کشتند، به حدی که کسی را از ایشان باقی نگذاشتند. ۹ و یوشع به طوری که پروردگار به وی گفته بود، با ایشان رفتار نموده، اسبان ایشان را پی کرد و ارابه‌های ایشان را با آتش سوزانید. ۱۰ و یوشع در آن وقت بازگشت، حاصور را گرفته، پادشاهش را با شمشیر کشت، زیرا حاصور پیش از آن، سرکرده‌ی جمیع آن ممالک بود. ۱۱ و همه‌ی کسانی را که در آن بودند به دم شمشیر کشته، ایشان را جملگی هلاک کرد، و هیچ جانداری باقی نماند، و حاصور را با آتش سوزانید. ۱۲ پس یوشع تمامی شهرهای آن ملوک و جمیع ملوک آنها را گرفت و ایشان را به دم شمشیر کشته، جملگی هلاک کرد همان طور که موسی بنده‌ی پروردگار امر فرموده بود. ۱۳ غیر از همه‌ی شهرهایی که بر تل‌های خود استوار بودند، اسرائیل آنها را نسوزانید، سوای حاصور که یوشع فقط آن را سوزانید. ۱۴ و بنی اسرائیل تمامی غنیمت آن شهرها و بهایم آنها را برای خود به غنیمت بردند، اما همه‌ی مردان را به دم شمشیر کشتند، به حدی که ایشان را هلاک کرده، هیچ جانداری را باقی نگذاشتند. ۱۵ چنانکه پروردگار بنده‌ی خود موسی را امر فرموده بود، موسی به یوشع امر فرمود و به همین ترتیب یوشع عمل نمود، و چیزی از جمیع احکامی که خداوند به موسی فرموده بود، باقی نگذاشت. ۱۶ پس یوشع تمامی آن زمین کوهستان و تمامی جنوب و تمامی زمین جوشن و هامون و عربه و کوهستان اسرائیل و دشت آن را گرفت. ۱۷ از کوه حالق که به سوی سعیر بالا می‌رود تا بعل جاد که در وادی لبنان زیر کوه حرمان است، و جمیع ملوک آنها را گرفته، ایشان را زد و کشت. ۱۸ و یوشع روزهای بسیار با این ملوک جنگ کرد. ۱۹ و شهری نبود که با بنی اسرائیل صلح کرده باشد، جز حویانی که در جبعون ساکن بودند و همه‌ی دیگران را در جنگ گرفتند. ۲۰ زیرا از جانب خداوند بود که دل ایشان را سخت کند تا برای نبرد مقابل اسرائیل درآیند و او ایشان را جملگی هلاک سازد، و بر ایشان رحمت نشود بلکه ایشان را نابود سازد چنانکه پروردگار به موسی امر فرموده بود. ۲۱ و در آن زمان یوشع آمده، عناقیان را از کوهستان از جبرون و دبیر و عناب و همه‌ی کوه‌های یهودا و همه‌ی کوه‌های اسرائیل منقطع ساخت، و یوشع ایشان را با شهرهای شان جملگی هلاک کرد. ۲۲ کسی از عناقیان در زمین بنی اسرائیل باقی نماند، اما در غزه و جت و آشدود بعضی باقی ماندند. ۲۳ پس یوشع تمامی زمین را بر حسب آنچه پروردگار به موسی گفته بود،



گرفت، و یوشع آن را به بنی اسرائیل برحسب فرقه‌ها و اسباط ایشان به ملکیت بخشید و زمین از جنگ آرام گرفت.»

هذه صورة لجانب من الأيام التي قضاها يوشع بن نون ع في الجهاد والقتال لإعلاء كلمة الله ونشر دين الله والتوحيد على هذه الأرض. ويحسن الالتفات إلى عدة جوانب فيما يخص جهاد يوشع ومن معه لترتب فائدة على معرفتها هي:

این تصویری از روزهایی که یوشع بن نون ع در جهاد و پیکار برای برافراشتن کلمه‌ی الله و نشر دین خداوند و توحید بر روی این زمین گذرانید، می‌باشد. شایسته است به برخی ویژگی‌ها که به جهاد یوشع و همراهان وی اختصاص دارد توجه شود تا از شناخت این ویژگی‌ها، بهره‌هایی حاصل گردد:

۱- **إِنَّ الَّذِينَ كَانُوا مَعَ يَوْشَعَ بْنِ نُونٍ ع هُم ذُرِّيَّةُ بَنِي إِسْرَائِيلَ الَّذِينَ عَبَرُوا مَعَ مُوسَى الْبَحْرَ، فَأُولَئِكَ مَاتُوا فِي الْبَحْرِ فِي الْيَوْمِ الَّذِي عَاقَبَهُمُ اللَّهُ بِسَبَبِ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ. فَذَكَرَ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ كَيْفَ جَاهَدَ يَوْشَعَ وَجُنُودُهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فِي الْقِتَالِ فِي سَبِيلِهِ حَيْثُ (قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَنَ نَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَادْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ) (9).**

۱- کسانی که همراه یوشع بن نون بودند؛ آنها از نوادگان بنی اسرائیل که همراه موسی ع از دریا گذشتند، بودند؛ همان کسانی که در آن سرگردانی که خداوند به جهت سرپیچی‌شان از فرمان جهاد و پیکار خداوند در راه او، مجازاتشان کرده بود، جان باختند. آنجا که می‌فرماید: **((گفتند: ای موسی! تا وقتی در آنجا هستند هرگز به آن داخل نشویم. ما اینجا می‌نشینیم، تو و پروردگارت بروید و با آنها نبرد کنید)) (۱۰).**

والتيه كان عقوبة إصلاحية، كانت نتيجتها هؤلاء الأبناء الصالحين الذين جاهدوا مع يوشع ع وصي موسى ع ودخلوا الأرض المقدسة. این سرگردانی، مجازاتی اصلاح‌گرایانه بود، و نتیجه‌ی آن تربیت این فرزندان صالح شد؛ فرزندی که همراه یوشع ع وصی موسی ع جهاد کردند و وارد سرزمین مقدس شدند.

۲- إنَّ عدد الذين عبروا مع موسى ع من مصر أكبر بكثير من الذين قاتلوا مع يوشع ع، فالكثرة لم تنفع لما كانت قلوب القوم مليئة بحب الدنيا، والقلة لم تضر لما كانت قلوب القوم مليئة بحب الله سبحانه وتعالى.

۲- تعداد کسانی که همراه موسی ع از مصر عبور کردند بسیار بیش تر از کسانی که همراه یوشع ع نبرد کردند، بود. پس تا هنگامی که قلب مردمان مالمال از دنیا دوستی باشد کثرت شان سودی نبخشد، و تا هنگامی که قلب های مردم مالمال از دوستی خداوند سبحان و متعال باشد، کم تعداد بودن، آسیبی نمی رساند.

۳- الذين كانوا مع يوشع ع أقل بكثير من الجيوش الجرارة التي واجهوها، بل وبالحساب المادي عددهم غير كافٍ لفتح كل تلك البلاد التي فتحوها، ولكن الله نصرهم بالرعب:

﴿كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (11).

۳- کسانی که همراه یوشع ع بودند بسیار کمتر از لشکرهای تا بُن دندان مسلحی که با آنها روبه رو شدند، بودند و با حساب مادی، تعداد آنها برای فتح آن همه شهرهایی که فتح کرده بودند، کافی نبود، اما خداوند آنها را با رعب و ترس یاری نمود: ((به خواست خدا، چه بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار غلبه کند، که خدا با کسانی است که صبر پیشه می کنند)) (۱۲).

۴- قلة العدد والعدة وضعف الامكانات المادية كلها كانت ترافق يوشع بن نون ع، ولكنه والمؤمنين لما تسلحوا بالایمان والصبر وقوة التحمل للمصاعب والتوكل على الله، ولما نصرهم الله بأن قذف الرعب في قلوب عدوهم تمكنوا من خوض كل تلك المعارك على كثرتها وانتصروا بقوة الله، ونشروا كلمة الله والتوحيد في الأرض المقدسة، فالإيمان والعقيدة هو أقوى سلاح وبه يعقد نصر المؤمنین.

۴- کم بودن تعداد و تجهیزات و ضعف امکانات مادی، همگی ملازم و همراه یوشع ع بود، اما هنگامی که او و مؤمنان به سلاح ایمان، صبر، نیروی تحمل دشواری ها و توکل بر خدا مسلح شدند و هنگامی که خداوند با افکندن رعب و ترس در دل دشمنان شان،

۱۱- البقرة: 249.

۱۲- بقره: ۲۴۹.

یاریشان نمود، توانستند به تمام آن آوردگاهها با وجود بسیاری‌شان، وارد، و با نیروی خداوند پیروز شوند و کلمه‌ی الله و توحید را در سرزمین مقدس منتشر کنند. بنابراین ایمان و عقیده نیرومندترین سلاح‌ها هستند که با آن پیروزی مؤمنان منعقد می‌گردد.

۵- **إِنَّ يَوْشَعَاعَ كَانَ خَلِيفَةَ اللَّهِ فِي زَمَانِهِ وَكَانَتْ طَاعَتُهُ طَاعَةَ اللَّهِ وَمَعْصِيَتُهُ مَعْصِيَةَ اللَّهِ، فَالَّذِينَ أَطَاعُوهُ أَطَاعُوا اللَّهَ وَالَّذِينَ قَاتَلُوا مَعَهُ قَاتَلُوا مَعَ اللَّهِ، فَكَانُوا فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ شَعْبَ اللَّهِ وَحَمَلَةَ كَلِمَةِ اللَّهِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ فَتَنْزَلَتْ عَلَيْهِمُ الرَّحْمَةُ وَالسَّكِينَةُ وَالنَّصْرُ وَالْبُرْكَاتُ.**

۵- اینکه یوشع ع در زمان خود، خلیفه و جانشین خداوند، و اطاعت او اطاعت خداوند و سرپیچی از او سرپیچی از خداوند بود؛ پس کسانی که از او اطاعت کردند از خداوند اطاعت کردند و کسانی که همراه وی به نبرد برخاستند، همراه با خداوند پیکار کردند. آنها در آن زمان، قوم و ملت خداوند و حاملان کلمه‌ی الله برای اهل زمین بودند؛ پس رحمت، آرامش، پیروزی و برکت بر آنها نازل شد.

**وَالنَّيْجَةُ فَإِنَّ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ وَرَسُولَهُ جَاهَدُوا وَقَاتَلُوا فِي سَبِيلِ إِعْلَاءِ كَلِمَةِ اللَّهِ وَأَطَاعُوا أَمْرَ اللَّهِ الَّذِي شَرَعَ الْجِهَادَ وَأَوْجَبَهُ، وَلَمْ تَتْنَهَمُ قَلَّةُ النَّاصِرِ لَهُمْ وَضَعْفُ الْإِمْكَانَاتِ وَلَمْ تَرُدَّعَهُمْ كَثْرَةُ عَدُوِّهِمْ وَضَخَامَةُ عَدَّتِهِ عَنِ الْجِهَادِ، كَمَا أَنَّهُمْ دَعَا إِلَى اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادَلُوا الَّذِينَ كَفَرُوا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ، فَلَمَّا لَمْ تَنْفَعْ مَعَ الْكُفَّارِ حِجَّةَ اللِّسَانِ قَارَعَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ أَعْدَاءَ اللَّهِ بِالسِّنَانِ وَنَصَرَهُمُ اللَّهُ وَأَيَّدَهُمْ بِمَلَائِكَتِهِ.**

نتیجه اینکه انبیا و فرستادگان خداوند در راه برافراشتن کلمه‌ی الله جهاد و پیکار کردند و فرمان خداوندی که جهاد را مشروع و واجب ساخته بود، اطاعت نمودند، و کم بودن یاری‌دهندگان و ضعف امکانات آنها را ناتوان ساخت و بسیار بودن دشمنان‌شان و انبوه بودن امکانات‌شان آنها را از جهاد روی‌گردان نکرد؛ همان‌طور که آنها با حکمت و موعظه‌ی نیکو به سوی خداوند دعوت کردند و با آنان که کفر ورزیدند به نیکوترین وجه مجادله نمودند؛ اما هنگامی که حجت و دلایل گفتاری با کافران سودی نمی‌بخشد، انبیای الهی با نیزه و شمشیر با دشمنان خدا به مبارزه برخاستند و خداوند نیز آنها را یاری و به وسیله‌ی ملائکه‌اش تأیید فرمود.

\* \* \*